کتاب‌خوانِ دانای کل

قسمت صفر:مقدمه

مترجم
Senku

امیدوارم از این ترجمه خوشتون بیاد. این شاهکار معروف و پرطرفدار ۵۵۱ قسمت داره و مانگاش هم موجوده. لطفا این ترجمه رو کپی‌نکنید و از آدرس‌های زیر دریافت نمایید.
-سِنکو

وبسایت:
Myanimes.ir

تلگرام:
@Myanimes
@Mymangas

"سه تا راه برای زنده ماندن در یک دنیای ویران شده وجود داره. فعلا چندتاش رو فراموش کردم اما یکی از اونها واضحه. کسی که داره این داستانو میخونه زنده میمونه"

صفحه گوشی قدیمی ام با متن این ناول پر بود. میرفتم پایین صفحه و دوباره برمیگشتم بالا. تا الان چندبار این کارو تکرار کردم؟ پنجاه بار؟ صدبار؟

"واقعا؟پایانش همینه؟"

دوباره نگاه میکردم، و پایانش هیچ تغییری نکرده بود.

داستان تموم شده بود.

{*سه راه برای زنده ماندن در یک دنیای ویران شده*}

نویسنده: تی ال اس

3149 قسمت.

سه راه برای زنده ماندن در یک دنیای ویران شده یک ناول فانتزی طولانی با 3149 قسمت بود. اسم کوتاهش "*راه های زنده ماندن* "هستش.

از سال سوم راهنمایی به طور مداوم این ناولو میخوندم.

زمانی که کله گنده های مدرسه منو مسخره میکردند،وقتی که امتحان ورودیمو خراب کردم و مجبور شدم وارد یه دانشگاه معمولی بشم یا زمانی پشت سرهم شغلمو عوض میکردم و الان دارم برای یک کمپانی بزرگ کار میکنم... لعنتی بیاید از این بحث بیایم بیرون.

به هر حال...

MYANIMES.ir

{سخنی از نویسنده:"خیلی ممنون برای اینکه ناول "*راه های زنده ماندن*"را تا اینجا خواندید. با قسمت اخر ناول به پیش شما برمیگردم"

"قسمت آخر هنوز مونده.که اینطور قسمت بعد،قسمت آخره"

از آخر کودکی ام تا بزرگسالی ام، بالاخره بعد از یک بازه زمانی ده ساله ناول تموم شد.فهمیدن اینکه این دنیا میخواد به پایان برسه احساسی از رضایت و ناامیدی در من بیدارشد.

بخش نظرات آخرین قسمت رو باز کردم و یک جمله رو چندین بار نوشتم.

-کیم دووکجا:"نویسنده، به خاطرهمه چیز ممنونم.منتظر قسمت پایانی هستم."

جملات من کاملا صادقانه بودند ،"*راه های زنده ماندن*" ناول موردعلاقه من در کل زندگی بود، ناول مشهوری نبود اما برای من بهترین بود.

کلمات زیادی بود که میخواستم بگم اما نمیتونستم بگم.از این میترسیدم که کلمات من به نویسنده ضربه بزنه.

-هر قسمت با امتیاز متوسط 1.9

-تعداد پایین نظرات

این مقدار شهرت "*راه های زنده ماندن*" بود.

تعداد لایک های قسمت اول 12000 بود،اما نسبت به قسمت دهم به نظرم120 لایک بود و 12 لایک نسبت به قسمت پنجاه.در آخر نسبت به قسمت صدم 1یک لایک بود.

MYANIMES.ir

عصبانی میشدم وقتی حس میکردم عدد 1 کنار تعداد لایک ها میاد.در بعضی مواقع عدد 2 هم میدیدم که فکر کنم یکی اشتباهی دکمه رو زده بوده باشه.

نویسنده توی 10سال ناولی با 3000 قسمت منتشر کرده که هر قسمت 1عدد لایک داشته،انگار واقعا یک ناول برای من بود.

دکمه ی بخش "ناول های پیشنهادی" رو زدم و شروع کردم به زدن دکمه های کیبوردم—"میخوام یک ناول دلنشین پیشنهاد بدم."

نویسنده برای من یک ناول رایگان کامل شده نوشت،پس من باید بهش یک ناول پیشنهاد بدم.روی دکمه تایید کلیک کردم و کامنت ها سریع پدیدار شدن.

"یک رقیب به نظر میومد پیدا شده، دنبال آیدی اش گشتم و به نظر میاد پیشنهادهایی مثل من رو پیشنهاد داده."

"مگه قسمت پیشنهاداش مسدود نشده؟نویسنده نباید اینکارو اینجا انجام بده"

متوجه شدم که من یک پیشنهاد چندماه پیش نوشتم.دریک چشم بهم زدن تمام نظراتی که برای دیگر بازدید کننده ها نوشته بودم ارسال شد،صورتم از خجالت زیاد قرمز شد.

مطمئن بودم که نویسنده تمام نظراتو میخونه،پس تا جایی که تونستم تلاش کردم تا اونهارو پاک کنم اما پیامی بالا اومد که گفته بود "نظر گفته شده نمیتواند پاک شود"

ناراحت کننده بود که میدیدم نظرهایی که من از ته قلبم نوشتم همچین اتفاقی براشون بیوفته.

MYANIMES.ir

حتی اگه یک نگاه کوچیکم بکنن، چرا کسی نمیره ناول به اون قشنگی رو بخونه؟سعی کردم به نویسنده مقداری پول بفرستم اما بخاطر حقوقی که میگیرم به سختی میتونم زندگی کنم.

سپس یک اعلام گرفتم"یک پیام جدید دریافت شد"

تی ال اس: "ممنونم."

یک پیام از ناکجاآباد دریافت کردم،یک مدت طول کشید تا بتونم وضعیتو ارزیابی کنم.

کیم دووکجا: "نویسنده ایی؟"

تی ال اس نویسنده ناول "*راه های زنده ماندن*"بود.

تی ال اس:"من بخاطر تو تونستم تا آخرین قسمت ناول برم.تازه تونستم مسابقات هم ببرم."

نمیتونم باور کنم."*راه های زنده ماندن*"یک مسابقه رو برده؟

کیم دووکجا:"تبریک میگم! چه مسابقه ایی بوده؟"

تی ال اس:"اگه بهت بگم نمیشناسیش. یک مسابقه ناشناخته اس."

MYANIMES.ir

در تعجبم که دروغ گفته بخاطر اینکه خجالت زده بوده، اما دوست داشتم حقیقت داشته باشه.شاید واقعا من نمیدونستم.از یک طرف ناراحت بودم و از طرفی دیگر احساس خوشحالی میکردم که ناول درحال پخش شدنه.

تی ال اس:"من علاقه دارم به عنوان تشکر بهت یک هدیه بدم."

کیم دووکجا:"یک هدیه؟"

تی ال اس:"برای کتاب خوان عزیزم که باعث شد این ناول به جهان آورده بشه."

به نویسنده همونطور که ازم درخواست کرد ایمیل ام رو دادم.

تی ال اس:"خیلی خب، زمانبندیی برای پرداخت نقدی دارم."

کیم دووکجا:"واو،واقعا؟کی شروع میشه؟این اثر شاهکار باید از اول پرداخت نقدی میشد..."

این یک دروغ بود، "راه های زنده ماندن" یک داستان روزانه بود، من باید 3000ون در هرماه خرج میکردم.3000ون پول یک وعده کامل غذایی برای من بود.

MYANIMES.ir

تی ال اس:"پرداخت بدهی از فردا شروع میشه."

کیم دووکجا :"پس قسمت آخر که فردا میاد باید خریده بشه؟"

تی ال اس:"بله،متاسفانه باید بگم تو هم باید خریداریش کنی."

کیم دووکجا :"البته،من باید بخرم.من قسمت اخر هم خریداری میکنم."

نویسنده بدون هیچ جوابی رفت. از سایت خارج شدم و بدبینی بدی توی وجودم احساس کردم.

نویسنده بعد از اینکه موفق شد بدون هیچ جوابی رفت...؟تحسین من ناگهان به حس حسادتی تحقیر آمیز تبدیل شد. به چه علت انقدر هیجان زده بودم؟ به هر حال من نویسنده ناول نبودم.

"آیا به من یک کارت هدیه میخواد بده؟خیلی خوب میشه اگه 50000ون باشه."

اونموقع که من داشتم خیلی احمقانه فکر میکردم، هیچ ایده ایی نداشتم که فردا قراره چه اتفاقی برای دنیا بیوفته...!

MYANIMES.ir